فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc506464331)

[ادامه آیات وارده در باب اختلاف انسان‌ها 2](#_Toc506464332)

[9 – آیه 118 سوره هود 2](#_Toc506464333)

[10 – آیه 93 سوره نحل 2](#_Toc506464334)

[11 – آیه 8 سوره شوری 2](#_Toc506464335)

[12 – آیه 213 سوره بقره 2](#_Toc506464336)

[اختلافات اختیاری انسان‌ها 3](#_Toc506464337)

[نظرات در شمول آیات نسبت به اقسام اختلافات 4](#_Toc506464338)

[نظریه اول: اختصاص آیات به اختلافات عمدی و اختیاری بشر 4](#_Toc506464339)

[نظریه دوم: شمول آیات نسبت به تفاوت‌های قهری و غیر قهری بشر 5](#_Toc506464340)

[نکات مشهود در آیات وارده بر اختلافات انسان 5](#_Toc506464341)

[ارتباط آیات مطرح شده با رعایت تفاوت‌ها 6](#_Toc506464342)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل رعایت تفاوت‌های فردی**

# اشاره

ابتدا در مقدمه اول چارچوب تفاوت‌ها و طبقه‌بندی تفاوت‌ها را بررسی کردیم، در مقدمه دوم نگرش و رویکرد قرآن و حدیث و روایت و دین به این منظومه تفاوت‌ها را موردبررسی قراردادیم، در مقدمه دوم که عبارت بود از بررسی آیات و ادله ناظر به این تفاوت‌ها، به‌منظور اینکه نوع تعامل با این تفاوت‌ها را بدانیم، به آیاتی اشاره کردیم، آیه « **كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ**» به نحوی دربرگیرنده و حاوی تفاوت‌های افراد بود.

# ادامه آیات وارده در باب اختلاف انسان‌ها

در ادامه، مجموعه آیاتی به صورت یک طائفه‌ای است که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

# 9 – آیه 118 سوره هود

«**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ**»، اگر خداوند می‌خواست، همه مردم را یک گروه قرار می‌داد، اما خداوند این‌طور نخواسته است.

# 10 – آیه 93 سوره نحل

«**وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»،** اگر خداوند می‌خواست این کار را انجام می‌داد، همه این‌ها با لَو آمده است.

# 11 – آیه 8 سوره شوری

«**وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»**

# 12 – آیه 213 سوره بقره

«**كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»،** علامه ذیل این آیه مفصل بحث کرده‌اند، این آیه اشاره می‌کند که ابتدا مردم یکدست بودند و بعد اختلافات پدید آمد.

این آیات در ارتباط با موضوع ما قابل‌بحث است، با طرح این سؤال که این آیات اشاره‌ای به چه نوع اختلاف و تفاوتی دارند؟ مرحوم علامه در مورد این مسئله مطالبی فرموده‌اند، تا اینجا روشن است که اختلافات و تفاوت‌هایی که در میان انسان‌ها مشهود است، بر دو قسم است:

1 – اختلافات و تفاوت‌هایی که طبیعی و غیر اختیاری است، «**وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا**»[[1]](#footnote-1)، امثال این آیه که در بعضی از آیات قبل این‌طور بود که ناظر به یک سلسله اختلافات و تفاوت‌های تکوینی، طبیعی، قهری و غیر اختیاری بود.

2 – قسم دوم تفاوت‌ها و اختلافاتی است که افراد با یکدیگر دارند، اما اختیاری است، خود آن‌ها پایه‌ریز آن تفاوت‌ها بودند.

# اختلافات اختیاری انسان‌ها

قسم دوم به دو قسم تقسیم می‌شود:

1 – اختلافاتی که در اثر تلاش افراد و عملکردشان پیداشده و زیاد جنبه ارزشی و ضد ارزشی ندارد.

2 – اختلافاتی که جنبه ارزشی و ضد ارزشی دارد.

در آیات قبل این سؤال را می‌شد مطرح کرد که این تفاوت‌ها از کدام قبیل است، بخشی از آن آیات اشاره‌ای به آن اختلافات و تفاوت‌هایی داشت که غیر اختیاری است، بعضی از آن‌ها هم می‌توانست هر دو را در بر بگیرد، یا فقط اختیاری را در بر بگیرد، گفته می‌شود اگر خداوند می‌خواست شمارا بی‌اختلاف خلق و تنظیم می‌کرد، اما اراده الهی این است که شماها با اختلاف باشید، واقعیت خارجی این است که جامعه بشری، جامعه مختلف و متفاوت است، کدام‌یک از اقسامی که بیان شد، در آیات مقصود است؟

# نظرات در شمول آیات نسبت به اقسام اختلافات

## نظریه اول: اختصاص آیات به اختلافات عمدی و اختیاری بشر

یک نظریه تفصیلی این است که آیات اختصاص به همان اختلاف عمدی و اختیاری بشر اشاره دارد، به بخش دوم (اختلافات غیر اختیاری) کاری ندارد، اینکه آیه می‌فرماید: «**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ**»، اختلاف آن‌ها درواقع یعنی اختلاف حق و باطل است، اختلافات ارزشی و ضد ارزشی اختیاری است، تفاوت‌هایی که در انسان‌ها ازلحاظ صلاح و فساد، ایمان و کفر و مسائل ارزشی پیدا شده است.

اگر این نظریه باشد، درواقع اختلافی که در این آیات مطرح شده است، همان تفاوت‌های انسان‌ها در آن صلاح و فساد و ایمان و کفر و امثالهم است.

علاوه بر چهار آیه مذکور، آیه 48 سوره مائده این بیان را دارد که عبارت است از «**وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ».**

اختلافاتی که در حوزه انتخاب افراد در قلمرو مسائل ارزشی رخ می‌دهد و طبیعت عالم هم اقتضای همین تفاوت‌ها و اختلافات را می‌کند، اگر این نظریه باشد، کلاً این آیات از بحث ما بیرون است هر چند بی‌ارتباط نیست، اما بحث تفاوت‌هایی که در طبیعت و شخصیت انسان‌ها وجود دارد و آن‌ها باید ملحوظ بشود، زیاد با بحث ما ربط ندارد، می‌شود از لحاظ تربیتی موردبحث قرارداد، اما با سؤال اصلی ما در اصل رعایت تفاوت‌ها، فاصله دارد، در اصل رعایت تفاوت‌ها، سلسله تفاوت‌های غیرازاین نوع هست، یا اگر هم گفته شود که وارد در بحث ما هست، از یک منظر و ملاک دیگری است، ممکن است در مقابل این نظریه کسی بگوید که این‌ها علاوه بر این مصداق، شامل قسم اول هم می‌تواند بشود، شمول و اطلاق دارد، انواع تفاوت‌های دیگری که در بشر وجود دارد، آن‌ها ممکن است گفته شود که حداقل در بعضی از این آیات، وارد است، بخصوص آیه 48 سوره مائده که اطلاق آن بعید نیست، بااینکه آیه «**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً»،** مشترک در این چند آیه است و در این آیه هم ذکر شده است، اما ادامه‌اش فرموده‌اند «**وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ »،** یعنی خداوند شمارا یکدست قرار نداد، بلکه شما متفاوت هستید، برای اینکه شما را بیازماید، همین جمله **لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ،** قرینه می‌شود که تفاوتی که قبل بیان‌شده، شمول دارد، برای اینکه همه تفاوت‌ها، حتی قسم اول، ظرف استعداد است، حتی قسم اول و به طور واضح بخش اول تفاوت‌های طبیعی، جای امتحان است، لذا **وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ،** نوعی قرینه می‌شود که چیزی که در اینجا محذوف است، شمول دارد، برای اینکه چیزی در اینجا محذوف است، «**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ »،** اگر خداوند می‌خواست شما را امت واحده قرار می‌داد، لکن شما را امت واحده قرار نداد، متفاوت قرارداد، «**وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ»** درواقع **وَلَكِنْ جعلکم مختلفین لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ** هست، هر دو گونه اختلاف محل و ابزار و اهرم امتحان است، اختلافات نوع دوم، اختلافی که در سمت رفتن افراد به سوی خیر و شر وجود دارد، همچنین اختلافات طبیعی که در رنگ و پوست و نژاد و امثالهم هست.

## نظریه دوم: شمول آیات نسبت به تفاوت‌های قهری و غیر قهری بشر

نظریه دوم این است که این آیات همه را در بر می‌گیرد، آیه 48 سوره مائده، قرینه‌ای بر این می‌شود که آیه «**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً**»، می‌گوید که اگر می‌خواست شما را یکدست قرار می‌داد، اما متفاوت آفرید، تفاوت‌هایی که بخشی از آن تفاوت‌هاارزشی و بخشی ارزشی نیست، بلکه تفاوت‌های متعارف بشر خواه قهری و غیر قهری است، همه این انواع در این آیات ممکن است که گفته شود مقصود خداوند است، لذا **«وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»** جاری بوده و شمول دارداما آن **«إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ»،** مانعی ندارد که به بخشی از آن شمول و اطلاق بخورد، خیلی باعث تقیید نمی‌شود.

در تفاوت‌های فردی غیر قهری هم ممکن است که **إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ** صدق بکند.

درواقع با توجه به آنچه گفته شد آیات پنج گانه مطرح در امروز، سه نوع است، آیه 48 سوره مائده، ظهورش قوی است که مثل بقیه آیات باشد و اطلاق داشته باشد«**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً»،** همه تفاوت‌ها و تفاوت‌های بحث ما را در بر می‌گیرد، در بقیه آیات، ممکن است که اطلاقش پذیرفته شود، اما به قوت ظهور آیه 48 سوره مائده نیست، اما شمول و اطلاق در آیه سوره بقره سخت است.

# نکات مشهود در آیات وارده بر اختلافات انسان

مجموعه نکاتی که در این آیات مشاهده شد، عبارت‌اند از:

1 – قرآن این تفاوت‌ها را از منظر قدرت خداوند و جلوه‌ای از آیات الهی برشمرده است.

2 – یکی از اهداف این تفاوت‌ها را خداوند تعارف و شناسایی قرار داده است.

3 – یکی از اهداف این تفاوت‌ها را خداوند انتظام امور عالم و کار عالم قرار داده و بیان کرده است.

4 – این تفاوت‌ها را خداوند مایه‌ای برای آزمایش و امتحان قرار داده است.

5 – این تفاوت‌های طبیعی و غیرانتخابی را منشأ ارزش‌گذاری واقعی نمی‌داند و نباید آن را منشأ ارزش‌گذاری واقعی دانست.

درواقع دین این مسائل را پذیرفته است و یک تفسیری از اینها ارائه می‌دهد که می‌تواند در مقابل تفسیر نژادی از این تفاوت‌ها باشد. نگاه الهی و آسمانی و رویکرد آسمانی با چند ضلع نسبت به این تفاوت‌ها در دین وجود دارد.

# ارتباط آیات مطرح شده با رعایت تفاوت‌ها

سؤال دیگر در ذیل این آیات این است که آیا این آیات ربطی به رعایت تفاوت‌ها و توجه به آن‌ها در اقدامات اخلاقی شخص با خودش یا اقدامات تربیتی دارد یا ندارد؟

جواب این سؤال این است که اگر مستقیم بخواهیم بگوییم، دلالت واضحی در این‌ها نبود که مستقیماً بگوییم ارتباط دارد، البته ضمن این‌ آیات از منظرهای دیگر بحث‌های فقهی بود و مجموع این‌ها می‌تواند به عنوان یک مقدمه و صغرای یک قیاسی به‌ضمیمه یک مقدمه دیگری که از آیات و روایات استفاده می‌شود، اخذ بشود، آن‌وقت در آن مسیر هم قرار بگیرد ولی در همین حد است.

مجموع این آیات می‌گویند که انسان‌ها با ظرفیت‌های متفاوت هستند، حالات متفاوت دارند«**وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوارا***»[[2]](#footnote-2)،* ازآن‌جهت، آیاتی که در باب رعایت تفاوت‌ها و مقدورات بیان شد، مثل: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»[[3]](#footnote-3) یا اینکه پیامبر رئوف و رحیم است، یا اینکه «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و آیات دیگری که در زمینه رعایت طاقت و توان می‌خواندیم با توجه به این آیات اطوار در اینجا یعنی طاقت‌های متفاوت، اگر بخواهد پیامبر مهربان باشد و امثالهم، باید این‌ها را رعایت بکند، به این شکل بله آیات دال بر تفاوت‌ها صغرای این کبرا می‌گردد.

درواقع حداقل در گروهی از این آیات، یک نوع تفاوت طبیعی که به اختیار نیست، واقعیت خارجی آن را پذیرفته است و حتی غیر طبیعی اختیاری، به شکلی می‌تواند مشمول آن ادله بشود، صغرایی درست می‌کند که به‌ضمیمه آن کبرویات ما را به رعایت این تفاوت‌ها می‌رساند.

بنابراین یک منظر فلسفه تربیتی را در اینجا بحث کردیم که نگاه دین به این تفاوت‌ها است، اما این منظر فلسفی و نگاه اسلام به تفاوت‌ها و دامنه تفاوت‌ها، با بیانی که گفتیم، به نحوی با فقه هم در یک تعامل قرار می‌گیرد.

بحث بعدی در ادامه مباحث آیات، روایات است، عمدتاً مباحث روایی را در بحث رفق و مدارا بررسی کردیم، آن مجموعه روایات به تفاوت‌های انسان‌ها هم اشاره می‌کرد، بخش زیادی از آن مطرح شد، «**النّاسُ مَعادِنُ كمَعادِنِ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ**»[[4]](#footnote-4) و امثال این روایات که در آن روایات بیان شد که اباذر و سلمان با یکدیگر متفاوت هستند، انسان‌ها با یکدیگر متفاوت هستند، لذا به یک صورت نمی‌شود با آن‌ها رفتار کرد.

بنابراین روایاتی که به تفاوت‌های افراد اشاره می‌کنند و روایات مقداری واضح‌تر است و بُعد فقهیش هم در آن روایات وجود دارد که بهتر است مورد مطالعه قرار گیرد.

1. - سوره مبارکه نوح، آیه 14 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مبارکه نوح، آیه 14. [↑](#footnote-ref-2)
3. ـ سوره آل عمران، آیه 159. [↑](#footnote-ref-3)
4. . الكافي : ج 8 ص 177 ح 197 ، مشكاة الأنوار : ص 455 ح 1522 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 121 [↑](#footnote-ref-4)